

آن معین نیست قابل اجراء نمیباشد.

نوع سند: قوانین - تاریخ: 1356/08/01

قانون اجرای احکام مدنی

صفحه 1

مصوب 1356/08/01

اختصاصی پایگاه خبری اعتبار

فصل اول - قواعد عمومی

مبحث اول - مقدمات اجرا

ماده 1

ماده 1- هیچ حکمی از احکام دادگاههای دادگستری به موقع اجرا گذارده نمیشود مگر اینکه قطعی شده یا قرار اجرای موقت آن در مواردی که قانون معین میکند صادر شده باشد.

ماده 2

ماده 2- احکام دادگاههای دادگستری وقتی به موقع اجرا گذارده میشود که به محکومعلیه یا وکیل یا قائم مقام قانونی او ابلاغ شده و محکومله یا نماینده و یا قائم مقام قانونی او کتبا این تقاضا را از دادگاه بنماید.

ماده 3

ماده 3- حکمی که موضوع آن معین نیست قابل اجراء نمیشود.

ماده 4

ماده 4- اجرای حکم با صدور اجراییه به عمل میآید مگر اینکه در قانون به ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

در مواردی که دادگاه جنبه اعلامی داشته و مستلزم انجام عملی از طرف محکومعلیه نیست از قبیل اعلام اصالت یا بطلان سند اجراییه

صادر نمیشود همچنین در مواردی که سازمانها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت طرف دعوی نبوده ولی اجرای حکم باید به وسیله

آنها صورت گیرد صدور اجراییه لازم نیست و سازمانها و مؤسسات مزبور مکلفند به دستور دادگاه حکم را اجرا کنند.

ماده 5

ماده 5- صدور اجراییه با دادگاه نخستین است.

ماده 6

ماده 6- در اجراییه نام و نام خانوادگی و محل اقامت محکومله و محکومعلیه و مشخصات حکم و موضوع آن و اینکه پرداخت حق اجرا

به عهده محکومعلیه میباشد نوشته شده و به امضاء رئیس دادگاه و مدیر دفتر رسیده به مهر دادگاه ممهور و برای ابلاغ فرستاده میشود.

ماده 7

ماده 7- برگهای اجراییه به تعداد محکومعلیهم بهعلاوه دو نسخه صادر میشود یک نسخه از آن در پرونده دعوی و نسخه دیگر پس از

ابلاغ به محکومعلیه در پرونده اجرایی بایگانی میگردد و یک نسخه نیز در موقع ابلاغ به محکومعلیه داده میشود.

ماده 8

ماده 8- ابلاغ اجراییه طبق مقررات آیین دادرسی مدنی به عمل میآید و آخرین محل ابلاغ به محکومعلیه در پرونده دادرسی برای ابلاغ

اجراییه سابقه ابلاغ محسوب است.

ماده 9

ماده 9- در مواردی که ابلاغ اوراق راجع به دعوی طبق ماده 100 قانون آیین دادرسی مدنی به عمل آمده و تا قبل از صدور اجراییه

محکومعلیه محل اقامت خود را به دادگاه اعلام نکرده باشد مفاد اجراییه یک نوبت به ترتیب مقرر در مادتين 118 و 119 این قانون آگهی

میگردد و ده روز پس از آن بهموقع اجرا گذاشته میشود. در این صورت برای عملیات اجرایی ابلاغ یا اخطار دیگری به محکومعلیه لازم

نیست مگر اینکه محکومعلیه محل اقامت خود را کتباً به قسمت اجرا اطلاع دهد. مفاد این ماده باید در آگهی مزبور قید شود.

ماده 10

ماده 10- اگر محکومعلیه قبل از ابلاغ اجراییه محجور یا فوت شود اجراییه حسب مورد به ولی، قیم، امین، وصی، ورثه یا مدیر ترکه او

ابلاغ میگردد و هرگاه حجر یا فوت محکومعلیه بعد از ابلاغ اجراییه باشد مفاد اجراییه و عملیات انجام شده به وسیله ابلاغ اخطاریه به

آنها اطلاع داده خواهد شد.

ماده 11

ماده 11- هرگاه در صدور اجراییه اشتباهی شده باشد دادگاه میتواند راساً یا به درخواست هر یک از طرفین به اقتضای مورد اجراییه را

ابطال یا تصحیح نماید یا عملیات اجرایی را الغاء کند و دستور استرداد مورد اجرا را بدهد.

www.ekhtebarebar.ir

صفحه 2

مبحث دوم - داورزها (مامورین اجرا)

ماده 12

ماده 12- مدیر اجرا تحت ریاست و مسئولیت دادگاه انجام وظیفه میکند و بقدر لزوم و تحت نظر خود داورز (مامور اجرا) خواهد

داشت.

ماده 13

ماده 13- اگر دادگاه داورز (مامور اجرا) نداشته باشد و یا داورز (مامور اجرا) به تعداد کافی نباشد میتواند احکام را به وسیله مدیر دفتر

یا کارمندان دیگر دادگاه یا مامورین شهربانی یا ژاندارمری اجراء کرد.

ماده 14

ماده 14- در صورتیکه حین اجرای حکم نسبت به داورزها (مامورین اجرا) مقاومت یا سوء رفتاری شود میتوانند حسب مورد از مامورین

شهربانی، ژاندارمری و یا دژبانی برای اجرای حکم کمک بخواهند، مامورین مزبور مکلف به انجام آن میباشند.

ماده 15

ماده 15- هرگاه مامورین مذکور در ماده قبل درخواست دادورز (مامور اجرا) را انجام ندهند دادورز (مامور اجرا) صورتمجلسی در این

خصوص تنظیم میکند تا توسط مدیر اجرا برای تعقیب به مرجع صلاحیتدار فرستاده شود.

ماده 16

ماده 16- هرگاه نسبت به دادورز (مامور اجرا) حین انجام وظیفه توهین یا مقاومت شود مامور مزبور صورتمجلسی تنظیم نموده به

امضاء شهود و مامورین انتظامی (در صورتیکه حضور داشته باشند) میرساند.

ماده 17

ماده 17- کسانیکه مانع دادورز (مامور اجرا) از انجام وظیفه شوند علاوه بر مجازات مقرر در قوانین کیفری مسئول خسارات ناشی از عمل

خود نیز میباشند.

ماده 18

ماده 18- مدیران و دادورزها (مامورین اجرا) در موارد زیر نمیتوانند قبول ماموریت نمایند:

1- امر اجرا راجع به همسر آنها باشد.

2- امر اجرا راجع به اشخاصی باشد که مدیر و یا دادورز (مامور اجرا) با آنان قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارد.

3- مدیر یا دادورز (مامور اجرا) قیم یا وصی یکی از طرفین یا کفیل امور او باشد.

4- وقتی که امر اجرا راجع به کسانی باشد که بین آنان و مدیر یا دادورز (مامور اجرا) یا همسر آنان دعوی مدنی یا کیفری مطرح است. در

هر یک از موارد مذکور در این ماده اجرای حکم از طرف رئیس دادگاه به مدیر یا دادورز (مامور اجرا) دیگری محول میشود و اگر در آن

حوزه مدیر یا مامور دیگری نباشد اجرای حکم به وسیله مدیر دفتر یا کارمند دیگر دادگاه یا حسب مورد ماموران شهربانی و ژاندارمری به

عمل خواهد آمد.

مبحث سوم - ترتیب اجرا

ماده 19

ماده 19- اجراییه به وسیله قسمت اجرا دادگاهی که آن را صادر کرده به موقع اجرا گذاشته میشود.

ماده 20

ماده 20- هرگاه تمام یا قسمتی از عملیات اجرایی باید در حوزه دادگاه دیگری به عمل آید مدیر اجرا انجام عملیات مزبور را به قسمت

اجرا دادگاه آن حوزه محول میکند.

ماده 21

ماده 21- مدیر اجرا برای اجرای حکم پروندهای تشکیل میدهد تا اجراییه و تقاضاها و کلیه برگهای مربوط، به ترتیب در آن بایگانی شود.

ماده 22

ماده 22- طرفین میتوانند پرونده اجرایی را ملاحظه و از محتویات آن رونوشت یا فتوکپی بگیرند هزینه رونوشت یا فتوکپی به میزان

مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی اخذ میشود.

ماده 23

ماده 23- پس از ابلاغ اجراییه مدیر اجراء نام دادورز (مامور اجرا) را در ذیل اجراییه نوشته و عملیات اجرایی را به عهده او محول میکند.

ماده 24

ماده 24- دادورز (مامور اجرا) بعد از شروع به اجرا نمیتواند اجرای حکم را تعطیل یا توقیف یا قطع نماید یا به تأخیر اندازد مگر به

موجب قرارداد گاهی که دستور اجرای حکم را داده یا دادگاهی که صلاحیت صدور دستور تأخیر اجرای حکم را دارد یا با ابراز رسید

محکومله دائر به وصول محکومیه یا رضایت کتبی او در تعطیل یا توقیف یا قطع یا تأخیر اجراء.

ماده 25

ماده 25- هرگاه در جریان اجرای حکم اشکالی پیش آید دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجراء میشود رفع اشکال مینماید.

www.ekhtebarebar.ir

صفحه 3

ماده 26

ماده 26- اختلاف ناشی از اجرای احکام راجع به دادگاهی است که حکم توسط آن دادگاه اجرا میشود.

ماده 27

ماده 27- اختلافات راجع به مفاد حکم همچنین اختلافات مربوط به اجرای احکام که از اجمال یا ابهام حکم یا محکومیه حادث شود در

دادگاهی که حکم را صادر کرده رسیدگی میشود.

ماده 28

ماده 28- رأی داورى که موضوع آن معین نیست قابل اجراء نمیباشد مرجع رفع اختلاف ناشی از اجرای رأی داورى دادگاهی است که
اجراییه صادر کرده است.

ماده 29

ماده 29- در مورد حدوث اختلاف در مفاد حکم هر یک از طرفین میتواند رفع اختلاف را از دادگاه
بخواهد. دادگاه در وقت فوقالعاده
رسیدگی و رفع اختلاف میکند و در صورتی که محتاج رسیدگی بیشتری باشد رونوشت درخواست را به
طرف مقابل ابلاغ نموده طرفین
را در جلسه خارج از نوبت برای رسیدگی دعوت میکند ولی عدم حضور آنها باعث تأخیر رسیدگی نخواهد
شد.

ماده 30

ماده 30- درخواست رفع اختلاف موجب تأخیر اجرای حکم نخواهد شد مگر اینکه دادگاه قرار تأخیر اجرای
حکم را صادر نماید.

ماده 31

ماده 31- هرگاه محکومعلیه فوت یا محجور شود عملیات اجرایی حسب مورد تا زمان معرفی ورثه، ولی،
وصی، قیم، محجور یا امین و
مدیرترکه متوقف میگردد و قسمت اجرا به محکومله اخطار میکند تا اشخاص مذکور را با ذکر نشانی و
مشخصات کامل معرفی نماید

و اگر مالی توقیف نشده باشد داورز (مامور اجرا) میتواند به درخواست محکومله معادل محکومبه از ترکه متوفی یا اموال محجور توقیف کند.

ماده 32

ماده 32- حساب مواعد مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی است و مدتی که عملیات اجرایی توقیف میشود به حساب نخواهد آمد.

ماده 33

ماده 33- هرگاه محکومعلیه بازرگان بوده و در جریان اجراء ورشکسته شود مراتب از طرف مدیر اجرا به اداره تصفیه یا مدیر تصفیه اعلام میشود تا طبق مقررات راجع به تصفیه امور ورشکستگی اقدام گردد.

ماده 34

ماده 34- همینکه اجراییه به محکومعلیه ابلاغ شد محکومعلیه مکلف است ظرف ده روز مفاد آن را به موقع اجرا بگذارد یا به ترتیبی

برای پرداخت محکومبه بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای حکم و استیفاء محکومبه از آن میسر باشد و در صورتی که خود را قادر به

اجرای مفاد اجراییه نداند باید ظرف مهلت مزبور جامع داریی خود را به قسمت اجرا تسلیم کند و اگر مالی ندارد صریحاً اعلام نماید هرگاه

ظرف سه سال بعد از انقضاء مهلت مذکور معلوم شود که محکومعلیه قادر به اجرای حکم و پرداخت محکومبه بوده لیکن برای فرار از

آن اموال خود را معرفی نکرده یا صورت خلاف واقع از داریی خود داده به نحوی که اجرای تمام یا قسمتی از مفاد اجراییه متعسر گردیده

باشد به حبس جنجهای از شصت و یک روز تا شش ماه محکوم خواهد شد.

تبصره

تبصره- شخص ثالث نیز میتواند به جای محکومعلیه برای استیفای محکومبه مالی معرفی کند.

ماده 35

ماده 35- بدهکاری که در مدت مذکور قادر به پرداخت بدهی خود نبوده مکلف است هر موقع که به تأدیه تمام یا قسمتی از بدهی

خود متمکن گردد آن را بپردازد و هر بدهکاری که ظرف سه سال از تاریخ انقضای مهلت مقرر قادر به پرداخت تمام یا قسمتی از بدهی

خود شده و تا یک ماه از تاریخ امکان پرداخت آن را نپردازد و یا مالی به مسئول اجرا معرفی نکند به مجازات مقرر در ماده قبل محکوم

خواهد شد.

تبصره 1

تبصره 1- محکومله میتواند بعد از ابلاغ اجراییه و قبل از انقضای مهلت مقرر در مواد قبل اموال محکومعلیه را برای تأمین محکومبه

به قسمت اجرا معرفی کند و قسمت اجرا مکلف به قبول آنست. پس از انقضای مهلت مزبور نیز در صورتیکه محکومعلیه مالی معرفی

نکرده باشد که اجرای حکم و استیفای محکومبه از آن میسر باشد محکومله میتواند هر وقت مالی از محکومعلیه به دست آید استیفای

محکومبه را از آن مال بخواهد.

تبصره 2

تبصره 2- تعقیب کیفری جرائم مندرج در مواد 34 و 35 منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت او تعقیب یا

اجرای مجازات موقوف میگردد.

ماده 36

ماده 36- در مواردی که مفاد اجراییه از طریق انتشار آگهی به محکومعلیه ابلاغ میشود در صورتی که به اموال او دسترسی باشد به

تقاضای محکومله معادل محکومبه از اموال محکومعلیه توقیف میشود.

www.ekhtebarebar.ir

صفحه 4

ماده 37

ماده 37- محکومله میتواند طریق اجرای حکم را بدادورز (مامور اجرا) ارائه دهد و در حین عملیات اجرایی حاضر باشد ولی نمیتواند در

اموری که از وظایف دادورز (مامور اجرا) است دخالت نماید.

ماده 38

ماده 38- دادورز (مامور اجرا) محکومبه را به محکومله تسلیم نموده برگ رسید میگیرد و هرگاه محکومبه نباید به مشارالیه داده شود

یا دسترسی به محکومله نباشد مراتب را جهت صدور دستور مقتضی به دادگاهی که اجراییه صادر کرده است اعلام میکند.

ماده 39

ماده 39- هرگاه حکمی که به موقع اجرا گذارده شده بر اثر فسخ یا نقض یا اعاده دادرسی به موجب حکم نهایی بلاثر شود عملیات

اجرائی به دستور دادگاه اجراکننده حکم به حالت قبل از اجرا برمیگردد و در صورتی که محکومبه عین معین بوده و استرداد آن ممکن

نباشد داورز (مامور اجرا) مثل یا قیمت آن را وصول مینماید. اعاده عملیات اجرائی به دستور دادگاه به ترتیبی که برای اجرای حکم مقرر

است بدون صدور اجرائیه به عمل میآید.

ماده 40

ماده 40- محکومله و محکومعلیه میتواند برای اجرای حکم قراری گذارده و مراتب را به قسمت اجرا اعلام دارند.

ماده 41

ماده 41- هرگاه محکومعلیه طوعاً حکم دادگاه را اجرا نماید داورز (مامور اجرا) به ترتیب مقرر در این قانون اقدام به اجرای حکم میکند.

ماده 42

ماده 42- هرگاه محکومبه عین معین منقول یا غیر منقول بوده و تسلیم آن به محکومله ممکن باشد داورز (مامور اجرا) عین آن را

گرفته و به محکومله میدهد.

ماده 43

ماده 43- در مواردی که حکم خلع ید علیه متصرف ملک مشاع به نفع مالک قسمتی از ملک مشاع صادر

شده باشد از تمام ملک خلع

ید میشود، ولی تصرف محکومله در ملک خلع ید شده مشمول مقررات املاک مشاعی است.

ماده 44

ماده 44- اگر عین محکومبه در تصرف کسی غیر از محکومعلیه باشد این امر مانع اقدامات اجرایی نیست مگر اینکه متصرف مدعی

حقی از عین یا منافع آن بوده و دلایلی هم ارائه نماید در این صورت دادورز (مامور اجرا) یک هفته به او مهلت میدهد تا به دادگاه

صلاحیتدار مراجعه کند و در صورتیکه ظرف پانزده روز از تاریخ مهلت مذکور قراری دائر به تأخیر اجرای حکم به قسمت اجرا ارائه نگردد

عملیات اجرایی ادامه خواهد یافت.

ماده 45

ماده 45- هرگاه در محلی که باید خلع ید شود اموالی از محکومعلیه یا شخص دیگری باشد و صاحب مال از بردن آن خودداری کند و

یا به او دسترسی نباشد دادورز (مامور اجرا) صورت تفصیلی اموال مذکور را تهیه و به ترتیب زیر عمل میکند:

1- اسناد و اوراق بهادار و جواهر و وجه نقد به صندوق دادگستری یا یکی از بانکها سپرده میشود.

2- اموال ضایع شدنی و اشیایی که بهای آنها متناسب با هزینه نگاهداری نباشد به فروش رسیده و حاصل فروش پس از کسر هزینههای

مربوط به صندوق دادگستری سپرده میشود تا به صاحب آن مسترد گردد.

3- در مورد سایر اموال دادورز (مامور اجرا) آنها را در همان محل یا محل مناسب دیگری محفوظ نگاه داشته و یا به حافظ سپرده و

رسید دریافت میدارد.

ماده 46

ماده 46- اگر محکومبه عین معین بوده و تلف شده و یا به آن دسترسی نباشد قیمت آن با تراضی طرفین و در صورت عدم تراضی به

وسیله دادگاه تعیین و طبق مقررات این قانون از محکومعلیه وصول میشود و هرگاه محکومبه قابل تقویم نباشد محکومله میتواند

دعوی خسارت اقامه نماید.

ماده 47

ماده 47- هرگاه محکومبه انجام عمل معینی باشد و محکومعلیه از انجام آن امتناع ورزد و انجام عمل به توسط شخص دیگری ممکن

باشد محکومله میتواند تحت نظر دادورز (مامور اجرا) آن عمل را وسیله دیگری انجام دهد و هزینه آن را مطالبه کند و یا بدون انجام

عمل هزینه لازم را به وسیله قسمت اجرا از محکومعلیه مطالبه نماید. در هر یک از موارد مذکور دادگاه با تحقیقات لازم و در صورت

ضرورت با جلب نظر کارشناس میزان هزینه و معین مینماید.

وصول هزینه مذکور و حقالزحمه کارشناس از محکومعلیه به به ترتیبی است که برای وصول محکومبه نقدی مقرر است.

تبصره

تبصره- در صورتیکه انجام عمل توسط شخص دیگری ممکن نباشد مطابق ماده 729 آیین دادرسی مدنی انجام خواهد شد.

ماده 48

ماده 48- در صورتیکه در ملک مورد حکم خلع ید زراعت شده و تکلیف زرع در حکم معین نشده باشد به ترتیب زیر رفتار میشود:

اگر موقع برداشت محصول رسیده باشد محکومعلیه باید فوراً محصول را بردارد والا دادورز (مامور اجرا) اقدام به برداشت محصول نموده

و هزینههای مربوط را تا زمان تحویل محصول به محکومعلیه از او وصول مینماید. هرگاه موقع برداشت محصول نرسیده باشد اعم از

اینکه بذر روئیده یا نروئیده باشد محکومله مخیر است که بهای زراعت را بپردازد و ملک را تصرف کند یا ملک را تا زمان رسیدن محصول

به تصرف محکومعلیه باقی بگذارد و اجرتالمثل بگیرد. تشخیص بهای زراعت و اجرتالمثل با دادگاه خواهد بود و نظر دادگاه در این مورد

قطعی است.

فصل دوم - توقیف اموال

مبحث اول - مقررات عمومی

ماده 49

ماده 49- در صورتیکه محکومعلیه در موعدی که برای اجرای حکم مقرر است مدلول حکم را طوعاً اجرا ننماید یا قراری با محکومله برای

اجرای حکم ندهد و مالی هم معرفی نکند یا مالی از او تأمین و توقیف نشده باشد محکومله میتواند

درخواست کند که از اموال

محکومعلیه معادل محکومبه توقیف گردد.

ماده 50

ماده 50- دادورز (مامور اجرا) باید پس از درخواست توقیف بدون تأخیر اقدام به توقیف اموال محکومعلیه نماید و اگر اموال در حوزه

دادگاه دیگری باشد توقیف آن را از قسمت اجرای دادگاه مذکور بخواهد.

ماده 51

ماده 51- از اموال محکومعلیه به میزانی توقیف میشود که معادل محکومبه و هزینههای اجرایی باشد ولی هرگاه مال معرفی شده ارزش

بیشتری داشته و قابل تجزیه نباشد تمام آن توقیف خواهد شد در این صورت اگر مال غیرمنقول باشد مقدار مشاعی از آن که معادل

محکومبه و هزینههای اجرایی باشد توقیف میگردد.

ماده 52

ماده 52- اگر مالی از محکومعلیه تأمین و توقیف شده باشد استیفاء محکومبه از همان مال به عمل میآید مگر آنکه مال تأمین شده

تکافوی محکومبه را نکند که در این صورت معادل بقیه محکومبه از سایر اموال محکومعلیه توقیف میگردد.

ماده 53

ماده 53- هرگاه مالی از محکومعلیه در قبال خواسته یا محکومبه توقف شده باشد محکومعلیه میتواند یکبار تا قبل از شروع به عملیات

راجع به فروش درخواست تبدیل مالی را که توقیف شده است به مال دیگری بنماید مشروط بر اینکه مالی که پیشنهاد میشود از حیث

قیمت و سهولت فروش از مالی که قبلاً توقیف شده است کمتر نباشد. محکومله نیز میتواند یکبار تا قبل از شروع به عملیات راجع به

فروش درخواست تبدیل مال توقیفشده را بنماید. در صورتیکه محکومعلیه یا محکومله به تصمیم قسمت اجرا معترض باشند میتوانند

به دادگاه صادرکننده اجراییه مراجعه نمایند. تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است.

ماده 54

ماده 54- اگر مالی که توقیف آن تقاضا شده وثیقه دینی بوده یا در مقابل طلب دیگری توقیف شده باشد قسمت اجراء به درخواست

محکومله توقیف مازاد ارزش مال مزبور را حسب مورد به اداره ثبت یا مرجعی که قبلاً مال را توقیف کرده است اطلاع میدهد در این

صورت اگر مال دیگری به تقاضای محکومله توقیف شود که تکافوی طلب او را بنماید از توقیف مازاد رفع اثر خواهد شد. در صورت فک

وثیقه یا رفع توقیف اصل مال، توقیف مازاد خودبهخود به توقیف اصل مال تبدیل میشود.

در این مورد هرگاه محکومعلیه به عنوان عدم تناسب بهای مال با میزان بدهی معترض باشد به هزینه او مال ارزیابی شده از مقدار زائد

بر بدهی رفع توقیف خواهد شد.

ماده 55

ماده 55- در مورد مالی که وثیقه بوده یا در مقابل مطالباتی توقیف شده باشد محکومله میتواند تمام دیون و خسارات قانونی را با

حقوق دولت حسب مورد در صندوق ثبت یا دادگستری تودیع نموده تقاضای توقیف مال و استیفای حقوق خود را از آن بنماید در این

صورت وثیقه و توقیفهای سابق فک و مال بابت طلب او و مجموع وجوه تودیع شده بلافاصله توقیف میشود.

ماده 56

ماده 56- هر گونه نقل و انتقال اعم از قطعی و شرطی و رهنی نسبت به مال توقیف شده باطل و بلااثر است.

ماده 57

ماده 57- هر گونه قرارداد یا تعهدی که نسبت به مال توقیف شده بعد از توقیف به ضرر محکومله منعقد شود نافذ نخواهد بود مگر

اینکه محکومله کتباً رضایت دهد.

www.ekhtebare.ir

صفحه 6

ماده 58

ماده 58- در صورتیکه محکومعلیه، محکومبه و خسارات قانونی را تأدیه نماید قسمت اجرا از مال توقیف شده رفع توقیف خواهد کرد.

ماده 59

ماده 59- محکومعلیه میتواند با نظارت داورز (مامور اجرا) مال توقیف شده را بفروشد مشروط بر اینکه حاصل فروش به تنهایی برای

پرداخت محکومبه و هزینههای اجرایی کافی باشد و اگر مال در مقابل قسمتی از محکومبه توقیف شده حاصل فروش نباید از مبلغی که

در قبال آن توقیف به عمل آمده کمتر باشد.

ماده 60

ماده 60- عدم حضور محکومله و محکومعلیه مانع از توقیف مال نمیشود ولی توقیف مال به طرفین اعلام خواهد شد.

مبحث دوم - در توقیف اموال منقول

ماده 61

ماده 61- مال منقولی که در تصرف کسی غیر از محکومعلیه باشد و متصرف نسبت به آن ادعای مالکیت کند یا آن را متعلق به دیگری

معرفی نماید به عنوان مال محکومعلیه توقیف نخواهد شد. در صورتیکه خلاف ادعای متصرف ثابت شود مسئول جبران خسارت محکومله

خواهد بود.

ماده 62

ماده 62- اموال منقولی که خارج از محل سکونت یا محل کار محکومعلیه باشد در صورتی توقیف میشود که دلایل و قرائن کافی بر

احراز از مالکیت او در دست باشد.

ماده 63

ماده 63- از اموال منقول موجود در محل سکونت زوجین آنچه معمولاً و عادتاً مورد استفاده اختصاصی زن باشد متعلق به زن و آنچه

مورد استفاده اختصاصی مرد باشد متعلق به شوهر و بقیه از نظر مقررات این قانون مشترک بین آنان محسوب میشود مگر این که

خلاف آن ثابت گردد.

ماده 64

ماده 64- اگر مال معرفی شده در جایی باشد که در آن بسته باشد و از باز کردن آن خودداری نمایند دادورز (مامور اجرا) با حضور مامور

شهربانی یا ژاندارمری یا دهبان محل اقدام لازم برای باز کردن در و توقیف مال معمول میدارد و در مورد باز کردن محلی که کسی در آن

نیست حسب مورد نماینده دادستان یا دادگاه بخش مستقل نیز باید حضور داشته باشد.

*

ماده 65

ماده 65- اموال زیر برای اجرای حکم توقیف نمیشود:

1 - لباس و اشیاء و اسبابی که برای رفع حوائج ضروری محکومعلیه و خانواده او لازم است.

2 - آذوقه به قدر احتیاج یکماهه محکومعلیه و اشخاص واجبالنفقه او.

3 - وسائل و ابزار کار ساده کسبه و پیشهوران و کشاورزان.

4 - اموال و اشیایی که به موجب قوانین مخصوص غیر قابل توقیف میباشند.

تبصره

تبصره- تصنیفات و تألیفات و ترجمههایی که هنوز به چاپ نرسیده بدون رضایت مصنف و مؤلف و مترجم و در صورت فوت آنها بدون

رضایت ورثه یا قائم مقام آنان توقیف نمیشود.

*به نظر می رسد ماده 65 قانون اجرای احکام مدنی با تصویب ماده 24 قانون نحوه اجرای محکومیت های

نحو مطلق مصادیق مستثنیات دین را بیان کرده است، نسخ ضمنی شده باشد.

ماده 66

ماده 66- اموال ضایع شدنی بلافاصله و اموالی که ادامه توقیف آن مستلزم هزینه نامتناسب یا کسر فاحش قیمت است فوراً ارزیابی و

با تصویب دادگاه بدون رعایت تشریفات راجع به توقیف و مزایده به فروش میرسد لیکن قبل از فروش باید صورتی از اموال مزبور

برداشته شود.

مبحث سوم - صوربرداری اموال منقول

ماده 67

ماده 67- دادورز (مامور اجرا) باید قبل از توقیف اموال منقول، صورتی که مشتمل بر وصف کامل اموال از قبیل نوع- عدد- وزن- اندازه

و غیره که با تمام حروف و اعداد باشد تنظیم نماید، در مورد طلا و نقره عیار آنها (هرگاه عیار آنها معین باشد) و در جواهرات اسامی

و مشخصات آنها و درکتاب، نام کتاب و مؤلف و مترجم و خطی یا چاپی بودن آن با ذکر تاریخ تحریر یا چاپ و در تصویر و پرده نقاشی

www.ekhtebarebar.ir

صفحه 7

خصوصیات و اسم نقاش (اگر معلوم باشد) و در مصنوعات، ساخت و مدل و در مورد فرش بافت و رنگ و در مورد سهام و اوراق بهادار

نوع و تعداد و مبلغ اسمی آن و به طور کلی در هر مورد مشخصات و خصوصیتی که معرف کامل مال باشد

ماده 68

ماده 68- تراشیدن و پاک کردن و الحاق و نوشتن بین سطرها در صورت اموال ممنوع است و اگر سهو و اشتباهی رخ داده باشد دادورز

(مامور اجرا) در ذیل صورت آن را تصحیح و به امضاء حاضران میرساند.

ماده 69

ماده 69- هرگاه اشخاص ثالث نسبت به اموالی که توقیف میشود اظهار حقی نمایند دادورز (مامور اجرا) مشخصات اظهارکننده و خلاصه

اظهارات او را قید میکند.

ماده 70

ماده 70- هرگاه محکومله و محکومعلیه یا نماینده قانونی آنها حاضر بوده و راجع به تنظیم صورت ایراد و اظهاری نمایند دادورز (مامور

اجرا) ایراد و اظهار آنان را با جهات رد یا قبول در آخر صورت قید میکند.طرفین اگر حاضر باشند ظرف یک هفته از تاریخ تنظیم صورت

حق شکایت خواهند داشت والا صورت اموال از طرف قسمت اجرا به طرف غایب ابلاغ میشود و طرف غایب حق دارد ظرف یک هفته

از تاریخ ابلاغ شکایت نماید.

ماده 71

ماده 71- در صورت اموال باید تاریخ و ساعت شروع و ختم عمل نوشته شود و به امضاء دادورز (مامور اجرا) و حاضران برسد هرگاه

محکومله و محکومعلیه یا نماینده قانونی آنها از امضاء ذیل صورت اموال امتناع نمایند مراتب در صورت قید میشود.

ماده 72

ماده 72- دادورز (مامور اجرا) به تقاضای محکومله یا محکومعلیه رونوشت گواهی شده از صورت اموال را به آنها خواهد داد.

مبحث چهارم - ارزیابی اموال منقول

ماده 73

ماده 73- ارزیابی اموال منقول حین توقیف به عمل میآید و در صورت اموال درج میشود قیمت اموال را محکومله و محکومعلیه به

تراضی تعیین مینمایند و هرگاه طرفین حین توقیف حاضر نباشند یا حاضر بوده و در تعیین قیمت تراضی ننمایند ارزیاب معین میشود.

ماده 74

ماده 74- ارزیاب به تراضی طرفین معین میشود. در صورت عدم تراضی یا عدم حضور محکومعلیه دادورز (مامور اجرا) از بین کارشناسان

رسمی و در صورت نبودن کارشناس رسمی از بین اشخاص معتمد و خبره ارزیاب معین میکند و هرگاه در حین توقیف به ارزیاب

دسترسی نباشد قیمتی که محکومله تعیین کرده برای توقیف مال ملاک عمل قرار خواهد بود. در این صورت دادورز (مامور اجرا) به قید

فوریت نسبت به تعیین ارزیاب و تقویم مال اقدام خواهد کرد.

ماده 75

ماده 75- قسمت اجرا ارزیابی را بلافاصله به طرفین ابلاغ مینماید.

هر یک از طرفین میتواند ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ ارزیابی به نظریه ارزیاب اعتراض نماید، این اعتراض در دادگاهی که حکم به وسیله

آن اجرا میشود، مورد رسیدگی قرار میگیرد و در صورت ضرورت با تجدید ارزیابی قیمتمال معین میشود، تشخیص دادگاه در این

مورد قطعی است.

ماده 76

ماده 76- حقالزحمه ارزیاب با در نظر گرفتن کمیت و کیفیت و ارزش کار به وسیله دادورز (مامور اجرا) معین میگردد و پرداخت آن به

عهده محکومعلیه است. هرگاه نسبت به میزان حقالزحمه اعتراضی باشد دادگاه در این مورد تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد. هرگاه

محکومعلیه از پرداخت حقالزحمه ارزیاب امتناع نماید محکومله میتواند آن را بپردازد. در این صورت دادورز (مامور اجرا) وجه مزبور را

ضمن اجرای حکم از محکومعلیه وصول و به محکومله خواهد داد. پرداخت حقالزحمه در مورد ماده قبل به عهده معترض است و اگر

ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ اخطار نپردازد به اعتراض او به ترتیب اثر داده نخواهد شد.

مبحث پنجم - حفظ اموال منقول توقیف شده

ماده 77

ماده 77- اموال توقیفشده در همان جا که هست حفظ میشود مگر اینکه نقل اموال به محل دیگری ضرورت داشته باشد.

ماده 78

ماده 78- اموال توقیف شده برای حفاظت به شخص مسئولی سپرده میشود. حافظ با توافق طرفین تعیین میگردد و در صورتیکه طرفین

حین توقیف حاضر نباشند و یا در انتخاب حافظ تراضی ننمایند دادورز (مامور اجرا) شخص قابل اعتمادی را معین میکند. اوراق بهادار و

جواهر و امثال آنها در صورت اقتضا در یکی از بانکها به امانت گذاشته میشود.

ماده 79

ماده 79- اموال توقیف شده بدون تراضی کتبی طرفین به اشخاص ذیل سپرده نمیشود:

www.ekhtebarebar.ir

صفحه 8

1- اقربای سببی و نسبی دادورز (مامور اجرا) تا درجه سوم.

2- محکومله و محکوم علیه و همسر آنان و کسانی که با طرفین قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارند.

ماده 80

ماده 80- اموال توقیف شده و رونوشت صورت اموال به شخصی که مسئولیت حفظ را به عهده گرفته تحویل و رسید اخذ میگردد.

ماده 81

ماده 81- شخص حافظ میتواند اجرت بخواهد و هرگاه در میزان اجرت تراضی نشود مدیر اجراء با توجه به کمیت و کیفیت مال و مدت

حفاظت میزان آن را تعیین مینماید.

ماده 82

ماده 82- اجرت حافظ را اگر محکومعلیه تأدیه نکند محکومله میپردازد و از حاصل فروش اشیاء توقیف شده استیفاء مینماید.در

صورت مطالبه اجرت از طرف حافظ و عدم تأدیه آن مدیر اجرا به محکومله اخطار میکند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطار اجرت حافظ را بپردازد.

ماده 83

ماده 83- حافظ نسبت به اموال توقیف شده امین است و حق ندارد اموال توقیف شده را مورد استفاده قرار داده یا به کسی بدهد و به

طورکلی هرگاه حافظ مرتکب تعدی یا تفریط گردد مسئول پرداخت خسارت وارده بوده و حق مطالبه اجرت هم نخواهد داشت.

ماده 84

ماده 84- هرگاه اموال توقیف شده منافی داشته باشد حافظ باید حساب آن را بدهد.

ماده 85

ماده 85- در صورتیکه حافظ از تسلیم اموال توقیف شده امتناع کند از تاریخ امتناع ضامن محسوب است و دادورز (مامور اجرا) معادل

ارزش مال توقیف شده را از اموال حافظ استیفاء مینماید.

ماده 86

ماده 86- هرگاه حافظ نخواهد یا نتواند اموال توقیف شده را نگهداری کند و یا اوضاع و احوال تغییر او را ایجاب نماید دادورز (مامور

اجرا) پس از تصویب دادگاه حافظ دیگری معین خواهد کرد.

مبحث ششم - توقیف اموال منقول محکومعلیه که نزد شخص ثالث است

ماده 87

ماده 87- هرگاه مال متعلق به محکومعلیه نزد شخص ثالث اعم از حقوقی یا حقیقی باشد یا مورد درخواست توقیف، طلبی باشد که

محکومعلیه از شخص ثالث دارد اختاری در باب توقیف مال یا طلب و میزان آن به پیوست رونوشت اجراییه به شخص ثالث ابلاغ و

رسید دریافت میشود و مراتب فوراً به محکومعلیه نیز ابلاغ میگردد.

ماده 88

ماده 88- شخص ثالث پس از ابلاغ اخطار توقیف نباید مال یا طلب توقیفشده را به محکومعلیه بدهد و مکلف است طبق دستور مدیر

اجرا عمل نماید، در صورت تخلف مسئول جبران خسارت وارده به محکومله خواهد بود.

ماده 89

ماده 89- هرگاه مالی که نزد شخص ثالث توقیف شده عین معین یا وجه نقد یا طلب حال باشد شخص ثالث باید در صورت مطالبه

آن را به داورز(مامور اجرا) بدهد و رسید دریافت دارد این رسید به منزله سند تأدیه وجه یا دین یا تحویل عین معین از طرف شخص

ثالث به محکومعلیه خواهد بود.

ماده 90

ماده 90- در موردیکه شخص ثالث دین خود را به اقساط یا اجور و عوائدی را به تدریج به محکومعلیه میپردازد و محکومله تقاضای

استیفاء محکومبه را از آن بنماید دادورز (مامور اجرا) به شخص ثالث اخطار میکند که اقساط یا عوائد و اجور مقرر را به قسمت اجرا تسلیم نماید.

ماده 91

ماده 91- هرگاه شخص ثالث منکر وجود تمام یا قسمتی از مال یا طلب یا اجور و عواید محکومعلیه نزد خود باشد باید ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه مراتب را به قسمت اجرا اطلاع دهد.

ماده 92

ماده 92- هرگاه شخص ثالث به تکلیف مقرر در ماده قبل عمل نکند و یا بر خلاف واقع منکر وجود تمام یا قسمتی از مال یا طلب یا اجور و عوائد محکومعلیه نزد خود گردد و یا اطلاعاتی که داده موافق با واقع نباشد و موجب خسارت شود محکومله میتواند برای جبران خسارت به دادگاه صلاحیتدار مراجعه نماید.

ماده 93

ماده 93- اگر شخص ثالث از تسلیم عین مال توقیف شده امتناع نماید و دادورز (مامور اجرا) به آن مال دسترسی پیدا نکند معادل قیمت آن از دارایی او برای استیفاء محکومبه توقیف خواهد شد. در صورتیکه شخص ثالث مدعی باشد که

اجرا بدون تعدی و تفریط او از بین رفته میتواند به دادگاه دادخواست دهد دادگاه در صورتیکه دلایل او را موجه تشخیص دهد قراری در

باب توقیف عملیات اجرایی تا تعیین تکلیف نهایی صادر میکند.

ماده 94

ماده 94- هرگاه شخص ثالث از تأدیه وجه نقد یا طلب حال که نزد او توقیف شده امتناع نماید به میزان وجه مزبور از دارایی او توقیف

خواهد شد.

ماده 95

ماده 95- شخص ثالثی که مال محکومعلیه نزد او توقیف شده میتواند مال مزبور را هر وقت بخواهد به قسمت اجرا تسلیم کند و

قسمت اجرا باید آن را قبول نماید.

مبحث هفتم - توقیف حقوق مستخدمین

ماده 96

ماده 96- از حقوق و مزایای کارکنان سازمانها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و شرکتهای دولتی و شهرداریها و بانکها و

شرکتها و بنگاههای خصوصی و نژائر آن در صورتیکه دارای زن یا فرزند باشند ربع و الا ثلث توقیف میشود.

تبصره 1

تبصره 1- توقیف و کسر یک چهارم حقوق بازنشستگی یا وظیفه افراد موضوع این ماده جایز است مشروط بر اینکه دین مربوط به شخص بازنشسته یا وظیفه‌گیر باشد.

تبصره 2

تبصره 2- حقوق و مزایای نظامیانی که در جنگ هستند و مستمری مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی توقیف نمیشود. (اصلاحی 1394)

ماده 97

ماده 97- در مورد ماده فوق مدیر اجرا مراتب را به سازمان مربوط ابلاغ مینماید و رئیس یا مدیر سازمان مکلف است از حقوق و مزایای محکومعلیه کسر نموده و به قسمت اجرا بفرستد.

ماده 98

ماده 98- توقیف حقوق و مزایای استخدامی مانع از این نیست که اگر مالی از محکومعلیه معرفی شود برای استیفای محکومبه توقیف گردد ولی اگر مال معرفی شده برای استیفای محکومبه کافی باشد توقیف حقوق و مزایای استخدامی محکومعلیه موقوف میشود.

مبحث هشتم - توقیف اموال غیر منقول

ماده 99

ماده 99- قسمت اجرا توقیف مال غیرمنقول را با ذکر شماره پلاک و مشخصات ملک به طرفین و اداره ثبت محل اعلام میکند.

ماده 100

ماده 100- اداره ثبت پس از اعلام توقیف در صورتیکه ملک به نام محکومعلیه ثبت شده باشد مراتب را در دفتر املاک و اگر ملک در

جریان ثبت باشد در دفتر ملک بازداشتی و پرونده ثبتی قید نموده به قسمت اجرا اطلاع میدهد و اگر ملک به نام محکومعلیه نباشد

فوراً به قسمت اجرا اعلام میدارد.

ماده 101

ماده 101- توقیف مال غیر منقول که سابقه ندارد به عنوان مال محکومعلیه وقتی جائز است که محکومعلیه در آن تصرف مالکانه داشته

باشد. و یا محکومعلیه به موجب حکم نهایی مالک شناخته شده باشد.

در موردیکه حکم بر مالکیت محکومعلیه صادر شده ولی به مرحله نهایی نرسیده باشد توقیف مال مزبور در ازاء بدهی محکومعلیه جایز

است ولی ادامه عملیات اجرایی موکول به صدور حکم نهایی است.

ماده 102

ماده 102- در صورتیکه عوائد یکساله مال غیر منقول بتشخیص دادگاه برای اداء محکومبه و هزینه اجرایی کافی باشد و محکومعلیه

حاضرشود که از عوائد آن ملک، محکومبه داده شود عین ملک توقیف نمیشود و فقط عوائد توقیف و

محکوم به از آن وصول می‌گردد،

در این صورت قسمت اجراء مکلف است مراتب را به ثبت محل اعلام نماید.

ماده 103

ماده 103- توقیف مال غیرمنقول موجب توقیف منافع آن نمی‌گردد.

*

ماده 104

ماده 104- توقیف محصول املاک و باغات با رعایت مقررات مواد 254 تا 257 قانون آیین دادرسی مدنی به عمل می‌آید.

*منظور مواد 254 تا 257 قانون آیین دادرسی مدنی مصوب 1318 بوده است و در حال حاضر حکم مشابه در ماده 127 قانون آیین

دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب 1379 آمده است.

www.ekhtebare.ir

صفحه 10

مبحث نهم - صورتبرداری اموال غیر منقول

ماده 105

ماده 105- دادرز (مامور اجرا) پس از توقیف اموال غیر منقول صورت اموال را تنظیم و نسخهای از آن را به محکوم علیه ابلاغ مینماید

تا اگر شکایتی داشته باشد ظرف یک هفته کتباً به قسمت اجراء تسلیم دارد. مدیر اجرا به شکایات مزبور رسیدگی و در صورتیکه شکایت

وارد باشد صورت مشخصات مال توقیف شده را اصلاح یا تجدید مینماید.

ماده 106

ماده 106- مراتب زیر باید در صورت اموال غیر منقول قید شود:

1- تاریخ و مفاد ورقه اجراییه.

2- محلی که مال غیرمنقول در آنجا واقع است.

3- وصف مال غیرمنقول با ذکر مشخصات ملک و مالک و اینکه ملک مشاع است یا مفروز و اشخاص دیگر نسبت به آن حقی دارند یا

نه و اگر حقی دارند چه نوع حقی است و منافع ملک به کسی واگذار شده است یا خیر؟

4- حدود ملک و مجاورین آن.

ماده 107

ماده 107- در صورتیکه مساحت ملک معین نباشد دادورز (مامور اجرا) مساحت تقریبی آن را در صورت قید میکند.

ماده 108

ماده 108- محکومعلیه حین تنظیم صورت باید اسناد راجع بملک یا مال غیر منقول را به دادورز (مامور اجرا) ارائه دهد.

ماده 109

ماده 109- هرگاه راجع به تمام یا قسمتی از ملک توقیف شده دعوائی در جریان باشد مراتب در صورت قید و تصریح میشود که دعوی

در چه مرجعی مورد رسیدگی است.

ماده 110

ماده 110- ارزیابی اموال غیر منقول به ترتیب مقرر در مواد 73 تا 76 این قانون به عمل خواهد آمد.

ماده 111

ماده 111- مال غیر منقول بعد از تنظیم صورت و ارزیابی حسب مورد موقتاً به مالک یا متصرف ملک تحویل میشود و مشارالیه مکلف

است ملک را همانطوریکه طبق صورت تحویل گرفته تحویل دهد.

ماده 112

ماده 112- در صورتیکه عوائد موجود مال غیرمنقول توقیف شود به امینی که طرفین معین کرده‌اند سپرده میشود و در صورت عدم

تراضی به شخص امینی که دادورز (مامور اجرا) معین میکند سپرده خواهد شد ولی اگر عواید وجه نقد باشد به قسمت اجرا تسلیم میگردد.

فصل سوم - فروش اموال توقیف شده

مبحث اول - فروش اموال منقول

ماده 113

ماده 113- بعد از تنظیم صورت مال منقول و ارزیابی آن در صورتیکه نسبت به محل و موعد فروش بین محکومه و محکومعلیه تراضی

شده باشد به همان به ترتیب رفتار میشود و هرگاه بین طرفین تراضی نشده باشد دادورز(مامور اجرا) مطابق مواد بعد اقدام میکند.

ماده 114

ماده 114- فروش اموال از طریق مزایده به عمل میآید.

ماده 115

ماده 115- اگر از طرف دولت یا شهرداری محلی برای فروش اموال منقول معین شده باشد فروش در آن محل به عمل میآید و اگر

محلهایی که معین شده است متعدد باشد فروش در محل به عمل میآید که برای منافع محکومعلیه ترجیح داده باشد و تشخیص

این امر با مدیر اجرا است. هرگاه از طرف دولت یا شهرداری محلی برای فروش معین نشده باشد محل فروش را مدیر اجراء معین میکند.

ماده 116

ماده 116- در مواردی که حمل اموال منقول به محل دیگری مخارج زیاد داشته باشد اشیاء توقیف شده در محلی که حفظ میشده به

فروش میرسد.

ماده 117

ماده 117- موعد فروش را مدیر اجرا نظر به کمیت و کیفیت اموال توقیف شده معین و آگهی مینماید.

www.ekhtebare.ir

ماده 118

ماده 118- آگهی فروش باید در یکی از روزنامه‌های محلی یک نوبت منتشر شود.

ماده 119

ماده 119- موعده فروش باید طوری معین شود که فاصله بین انتشار آگهی و روز فروش بیش از یکماه و کمتر از ده روز نباشد.

ماده 120

ماده 120- در نقاطی که روزنامه نباشد همچنین در مورد اموالی که قیمت آنها بیش از دویست هزار ریال نباشد آگهی بهجای انتشار

روزنامه به تعداد کافی در معابر الصاق و تاریخ الصاق در صورتمجلس قید میشود.

ماده 121

ماده 121- محکومه یا محکومعلیه میتواند علاوه بر آگهی که به توسط قسمت اجرا به عمل میآید آگهی دیگری به خرج خود منتشر نمایند.

ماده 122

ماده 122- در آگهی فروش مال منقول نکات ذیل تصریح میشود:

1- نوع و مشخصات اموال توقیفشده.

2- روز و ساعت و محل فروش.

3- قیمتی که مزایده از آن شروع میشود.

ماده 123

ماده 123- آگهی باید علاوه بر انتشار در قسمت اجرا و محل فروش هم الصاق شود.

ماده 124

ماده 124- در صورتیکه تغییر روز فروش ضرورت پیدا کند مجدداً آگهی خواهد شد.

ماده 125

ماده 125- فروش با حضور داورز (مامور اجرا) و نماینده دادرز به عمل میآید و صورتمجلس فروش به امضاء آنها میرسد.

ماده 126

ماده 126- هرکس میتواند در مدت پنج روز قبل از روزی که برای فروش معین شده است اموالی را که آگهی شده ملاحظه نماید.

ماده 127

ماده 127- محکومله میتواند مثل سایرین در خرید شرکت نماید ولی ارزیابان و داورزها (مامورین اجرا) و سایر اشخاصی که مباشر امر

فروش هستند همچنین اقرباء نسبی و سببی آنان تا درجه سوم نمیتوانند در خرید شرکت کنند.

ماده 128

ماده 128- مزایده از قیمتی که به ترتیب مقرر در مواد 73 تا 75 معین شده شروع میشود و مال متعلق به کسی است که بالاترین

قیمت را قبول کرده است.

ماده 129

ماده 129- دادورز (مامور اجرا) میتواند پرداخت بهای اموال را به وعده قرار دهد. در این صورت برنده مزایده باید ده درصد بها را

فیالمجلس به عنوان سپرده به قسمت اجرا تسلیم نماید. حداکثر مهلت مزبور از یکماه تجاوز نخواهد کرد و در صورتیکه برنده مزایده

در موعد مقرر بقیه بهای اموال را نپردازد سپرده او پس از کسر هزینه مزایده به نفع دولت ضبط و مزایده تجدید میگردد.

ماده 130

ماده 130- صاحب مال میتواند تقاضا کند که بعضی از اموال او را مقدم یا مؤخر بفروشند و یا اینکه خود او بالاترین قیمت پیشنهادی

را نقداً پرداخت و از فروش آن جلوگیری نماید.

ماده 131

ماده 131- هرگاه مالی که مزایده از آن شروع میشود خریدار نداشته باشد محکومله میتواند مال دیگری از محکومعلیه معرفی و تقاضای

توقیف و مزایده آن را بنماید یا معادل طلب خود از اموال مورد مزایده به قیمتی که ارزیابی شده قبول کند یا تقاضای تجدید مزایده

مال توقیف شده را بنماید و در صورت اخیر مال مورد مزایده به هر میزانی که خریدار پیدا کند به فروش خواهد رفت و هزینه آگهی

مجدد به عهده محکومله میباشد. و هرگاه طلبکاران متعدد باشند رأی اکثریت آنها از حیث مبلغ طلب برای تجدید آگهی مزایده مناط

اعتبار است.

ماده 132

ماده 132- هرگاه در دفعه دوم هم خریداری نباشد و محکومله نیز مال مورد مزایده را به قیمتی که ارزیابی شده قبول ننماید آن مال به

محکومعلیه مسترد خواهد شد.

ماده 133

ماده 133- تاریخ فروش و خصوصیات مال مورد فروش و بالاترین قیمتی که پیشنهاد شده و اسم و مشخصات خریدار در صورتمجلس

نوشته شده و به امضاء خریدار میرسد.

ماده 134

ماده 134- تسلیم مال فقط بعد از پرداخت تمام بهای آن صورت خواهد گرفت.

www.ekhtebare.ir

صفحه 12

ماده 135

ماده 135- اگر فروش قسمتی از اموال توقیف شده برای پرداخت محکومبه و هزینههای اجرایی کافی باشد بقیه اموال فروخته نمیشود

و به صاحب آن مسترد میگردد.

ماده 136

ماده 136- در موارد زیر فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید میشود:

1- هرگاه فروش در غیر روز و ساعت معین یا در غیر محلی که به موجب آگهی تعیین گردیده به عمل آید.

2- هرگاه کسی را بدون جهت قانونی مانع از خرید شوند و یا بالاترین قیمتی را که خواسته است رد نماید.

3- در صورتیکه مزایده بدون حضور نماینده دادسرا باشد.

4- در صورتیکه خریدار طبق ماده 127 ممنوع از خرید بوده باشد.

شکایت راجع به تخلف از مقررات مزایده در موارد مذکور ظرف یک هفته از تاریخ فروش به دادگاه داده میشود و قبل از انقضای مهلت

مذکور یا قبل از اتخاذ تصمیم دادگاه (در صورت وصول شکایت) مال به خریدار تسلیم نخواهد شد.

مبحث دوم - فروش اموال غیر منقول

ماده 137

ماده 137- به ترتیب فروش اموال غیر منقول به استثنای مواردی که در این بحث معین گردیده مانند فروش اموال منقول است.

ماده 138

ماده 138- در آگهی فروش باید نکات ذیل تصریح شود:

1- نام و نام خانوادگی صاحب ملک.

2- محل وقوع ملک و توصیف اجمالی آن و تعیین اینکه ملک محل سکونت یا کسب و پیشه یا تجارت یا زراعت و غیره است.

3- تعیین اینکه ملک ثبت شده است یا نه.

4- تعیین اینکه ملک در اجاره است یا نه و اگر در اجاره است مدت و میزان اجاره.

5- تصریح به اینکه ملک مشاع است یا مفروز و چه مقدار از آن فروخته میشود.

6- تعیین حقوقی که اشخاص نسبت به آن ملک تحت هر عنوان دارند.

7- قیمتی که مزایده از آن شروع میشود.

ماده 139

ماده 139- آگهی فروش به ترتیب مقرر در مبحث قبل منتشر خواهد شد. آگهی مزبور در محل ملک نیز الصاق میگردد.

ماده 140

ماده 140- هرگاه ملک مشاع باشد فقط سهم محکومعلیه به فروش میرسد مگر اینکه سایر شرکاء فروش تمام ملک را بخواهند در

این صورت طلب محکومله و هزینههای اجرایی از حصه محکومعلیه پرداخت میشود.

ماده 141

ماده 141- پس از انجام مزایده صورتمجلس تنظیم و در آن نام و نام خانوادگی مالک و خریدار و خصوصیات ملک و قیمتی که به

فروش رسیده نوشته میشود و به ضمیمه پرونده اجرایی به دادگاهی که قسمت اجرای آن دادگاه اقدام به فروش کرده است تسلیم

میگردد.

ماده 142

ماده 142- شکایت راجع به تنظیم صورت ملک و ارزیابی آن و تخلف از مقررات مزایده و سایر اقدامات دادورز (مامور اجرا) ظرف یک

هفته از تاریخ وقوع به دادگاهی که دادورز (مامور اجرا) در آنجا ماموریت دارد داده میشود دادگاه در وقت فوقالعاده به موضوع شکایت

رسیدگی و در صورتیکه شکایت را وارد و مؤثر دانست اقدامی را که بر خلاف مقررات شده است ابطال و

نمود.قبل از این که دادگاه در موضوع شکایت اظهارنظر نماید سند انتقال داده نمیشود.

ماده 143

ماده 143- دادگاه در صورت احراز صحت جریان مزایده دستور صدور سند انتقال را به نام خریدار میدهد و این دستور قطعی است.

www.ekhtebarebar.ir

صفحه 13

ماده 144

ماده 144- در مواردی که ملک خریدار نداشته و محکومله آن را در مقابل طلب خود قبول نماید مالک ظرف دو ماه از تاریخ انجام

مزایده میتواند کلیه بدهی و خسارات و هزینههای اجرایی را پرداخته و مانع انتقال ملک به محکومله شود.دادگاه بعد از انقضای مهلت

مزبور دستور انتقال تمام یا قسمتی از ملک را که معادل طلب محکومله باشد خواهد داد.

ماده 145

ماده 145- هرگاه مالک حاضر به امضاء سند انتقال به نام خریدار نشود نماینده دادگاه سند انتقال را در دفترخانه اسناد رسمی به نام

خریدار امضاء مینماید.

[در متن اصلی منتشر شده در روزنامه رسمی فصل چهارم وجود ندارد]

ماده 146

ماده 146- هرگاه نسبت به مال منقول یا غیر منقول یا وجه نقد توقیف شده شخص ثالث اظهار حقی نماید اگر ادعای مزبور مستند به

حکم قطعی یا سند رسمی باشد که تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف است. توقیف رفع میشود در غیر این صورت عملیات اجرایی تعقیب

میگردد و مدعی حق برای جلوگیری از عملیات اجرایی و اثبات ادعای خود میتواند به دادگاه شکایت کند.

ماده 147

ماده 147- شکایت شخص ثالث در تمام مراحل بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی رسیدگی

میشود. مفاد شکایت به طرفین ابلاغ میشود و دادگاه به دلایل شخص ثالث و طرفین دعوی به هر نحو و در هر محل که لازم بداند

رسیدگی میکند و در صورتیکه دلایل شکایت را قوی یافت قرار توقیف عملیات اجرایی را تا تعیین تکلیف نهایی شکایت صادر مینماید.

در این صورت اگر مال مورد اعتراض منقول باشد دادگاه میتواند با اخذ تأمین مقتضی دستور رفع توقیف و تحویل مال را به معترض

بدهد. به شکایت شخص ثالث بعد از فروش اموال توقیف شده نیز به ترتیب فوق رسیدگی خواهد شد.

تبصره

تبصره- محکومله میتواند مال دیگری را از اموال محکومعلیه به جای مال مورد اعتراض معرفی نماید. در این صورت آن مال توقیف و

از مال مورد اعتراض رفع توقیف میشود و رسیدگی به شکایت شخص ثالث نیز موقوف میگردد.

فصل ششم - حق تقدم

ماده 148

ماده 148- در هر مورد که اجرایهای متعدد به قسمت اجراء رسیده باشد، دادورز (مامور اجرا) باید حق تقدم هر یک از محکوملهم را

به ترتیب زیر رعایت نماید:

1- اگر مال منقول یا غیر منقول محکومعلیه نزد محکومله رهن یا وثیقه یا مورد معامله شرطی و امثال آن یا در توقیف تأمینی یا اجرایی

باشد محکومله نسبت به مال مزبور به میزان محکومبه بر سایر محکوملهم حق تقدم خواهد داشت.

2- خدمه خانه و کارگر و مستخدم محل کار محکومعلیه نسبت به حقوق و دستمزد شش ماه خود.

3- نفقه زن و هزینه نگهداری اولاد صغیر محکومعلیه برای مدت شش ماه و مهریه تا میزان دویست هزار یال.

4- بستانکاران طبقات مذکور در بندهای دوم و سوم نسبت به بقیه طلب خود و سایر بستانکاران.

ماده 149

ماده 149- پس از اینکه بستانکاران به ترتیب هر طبقه طلب خود را از اموال محکومعلیه وصول نمودند اگر چیزی زائد از طلب آنها

باقی بماند به طبقه بعدی داده میشود و در هر یک از طبقات دوم تا چهارم اگر بستانکاران متعدد باشند مال محکومعلیه به نسبت طلب

بین آنها تقسیم میگردد.

ماده 150

ماده 150- وجوهی که در نتیجه فروش مال توقیف شده یا به طریق دیگر از محکومعلیه وصول میشود به میزان محکومبه و هزینههای

اجرائی به محکومله داده خواهد شد و اگر زائد باشد بقیه به محکومعلیه مسترد میشود.

www.ekhtebare.ir

صفحه 14

ماده 151

ماده 151- در صورتیکه وجوه حاصل کمتر از میزان محکومبه و هزینههای اجرائی باشد به درخواست محکومله برای وصول بقیه طلب

او از سایر اموال محکومعلیه توقیف میشود.

ماده 152

ماده 152- در مقابل وجهی که به محکومله داده میشود دو نسخه رسید اخذ میگردد یک نسخه از آن به محکومعلیه تسلیم و نسخه

دیگر در پرونده اجرائی بایگانی میگردد.

ماده 153

ماده 153- در موردیکه محکومله بیش از یک نفر باشد و دارایی دیگری برای محکومعلیه غیر از مال توقیف شده معلوم نشود و هیچیک

از طلبکاران بر دیگری حق تقدم نداشته باشند از وجه وصول شده معادل هزینه اجرائی به کسی که آن را

پرداخته است داده میشود و

بقیه بین طلبکارانی که تا آن تاریخ اجراییه صادر و درخواست استیفاء طلب خود را نموده‌اند به نسبت طلبی که دارند با رعایت مواد 154

و 155 تقسیم میشود.

ماده 154

ماده 154- تقسیمنامه را دادورز (مامور اجرا) تنظیم و به طلبکاران اخطار مینماید تا از میزان سهم خود مطلع گردند.

ماده 155

ماده 155- هر یک از طلبکاران که شکایتی از ترتیب تقسیم داشته باشد میتواند ظرف یک هفته از تاریخ اخطار دادورز (مامور اجرا) راجع

به ترتیب تقسیم به دادگاه مراجعه کند. دادگاه در جلسه اداری بشکایت رسیدگی و تصمیم قطعی اتخاذ مینماید در این صورت تقسیم

پس از تعیین تکلیف شکایت در دادگاه به عمل می‌آید.

ماده 156

ماده 156- در صورتیکه به طلبکاری زائد از سهم او داده شده باشد مقدار زائد به نحوی که در ماده 39 مقرر گردیده مسترد میشود.

ماده 157

ماده 157- خسارت تأخیر تأدیه در صورتیکه حکم دادگاه تا تاریخ وصول مقرر شده باشد تا زمان تنظیم تقسیمنامه جزء طلب محکومله

محسوب خواهد شد.

ماده 158

ماده 158- هزینههای اجرایی عبارت است از:

1- پنج درصد مبلغ محکومبه بابت حق اجرای حکم که بعد از اجراء وصول میشود. در دعاوی مالی که خواسته وجه نقد نیست حق اجراء

به مأخذ بهای خواسته که در دادخواست تعیین و مورد حکم قرار گرفته حساب میشود مگر اینکه دادگاه قیمت دیگری برای خواسته

معین نموده باشد.

2- هزینههایی که برای اجرای حکم ضرورت داشته باشد مانند حق الزحمه خبره و کارشناس و ارزیاب و حق حفاظت اموال و نظایر آن.

ماده 159

ماده 159- در تخلیه مورد اجاره غیر منقول صدی ده اجاره بهای سه ماه و در سایر مواردی که قانوناً تعیین بهای خواسته لازم نیست از

هزار ریال تا پنج هزار ریال به تشخیص دادگاه بابت حق اجراء دریافت میشود.

ماده 160

ماده 160- پرداخت حق اجراء پس از انقضای ده روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه بر عهده محکومعلیه است ولی در صورتیکه طرفین سازش

کنند یا بین خود به ترتیبی برای اجرای حکم بدهند نصف حق اجراء دریافت خواهد شد. و در صورتیکه محکومبه بیست هزار ریال یا

کمتر باشد حق اجراء تعلق نخواهد گرفت.

ماده 161

ماده 161- اگر محکوم به وجه نقد باشد حق اجراء هم ضمن آن وصول میگردد و هرگاه محکوم به بعد از شروع اقدامات اجرایی رأساً

محکوم به را وصول نموده باشد و محکوم علیه حاضر به پرداخت حق اجراء نشود حق مزبور از اموال محکوم علیه طبق مقررات اجرای

احکام وصول میگردد. در این صورت هزینههایی که برای توقیف و فروش اموال محکوم علیه لازم باشد از صندوق دادگستری پرداخت

شده و پس از وصول آن به صندوق مسترد میگردد.

ماده 162

ماده 162- دادورز (مامور اجرا) باید حق اجراء را بلافاصله پس از وصول در قبال اخذ دو نسخه رسید بصندوق دادگستری پرداخت کند و

یک نسخه از رسید مزبور را به محکوم علیه تسلیم و نسخه دیگری را پیوست پرونده اجرایی نماید.

ماده 163

ماده 163- دادورز (مامور اجرا) باید جریمه نقدی مقرر در حکم قطعی را نیز به ترتیب مذکور در این قانون وصول نماید.

ماده 164

ماده 164- اجرای موقت حکم حق اجراء ندارد ولی اگر اجرای موقت به اجرای قطعی حکم منتهی شود حق اجراء وصول میگردد.

ماده 165

ماده 165- راجع به احکامی که قبل از خاتمه رسیدگی فرجامی نسبت به آنها اجراییه صادر گردیده حق اجراء پس از وصول در صندوق

دادگستری میماند تا در صورت نقض حکم به محکومعلیه مسترد گردد.

ماده 166

ماده 166- پنجاه درصد از حق اجراء طبق آییننامه وزارت دادگستری به مصرف تهیه و بهبود وسایل لازم برای تسریع اجرای احکام و

پاداش متصدیان اجراء میرسد و بقیه به حساب درآمد اختصاصی وزارت دادگستری منظور میگردد.

ماده 167

ماده 167- مقررات این قانون شامل اجراییههایی نیز خواهد بود که قبل از این قانون صادر گردیده و در جریان اجراء میباشند لیکن آن

مقدار از اقدامات اجرایی که مطابق قانون سابق به عمل آمده معتبر است.

ماده 168

ماده 168- هرگاه از تاریخ صدور اجراییه بیش از پنج سال گذشته و محکومه عملیات اجرایی را تعقیب نکرده باشد اجراییه بلااثر تلقی

میشود و در این مورد اگر حق اجراء وصول نشده باشد دیگر قابل وصول نخواهد بود.

محکومه میتواند مجدداً از دادگاه تقاضای صدور اجراییه نماید ولی درمورد اجرای هر حکم فقط یک بار حق اجراء دریافت میشود.

فصل نهم - احکام و اسناد لازمالاجراء کشورهای خارجی

ماده 169

ماده 169- احکام مدنی صادر از دادگاههای خارجی در صورتیکه واجد شرایط زیر باشد در ایران قابل اجراء است مگر اینکه در قانون به

ترتیب دیگری مقرر شده باشد:

1- حکم از کشوری صادر شده باشد که بهموجب قوانین خود یا عهود یا قراردادهای احکام صادر از دادگاههای ایران در آن کشور قابل اجراء

باشد یا در مورد اجرای احکام معامله متقابل نماید.

2- مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد.

3- اجرای حکم مخالف با عهود بینالمللی که دولت ایران آن را امضاء کرده یا مخالف قوانین مخصوص نباشد.

4- حکم در کشوری که صادر شده قطعی و لازمالاجراء بوده و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.

5- از دادگاههای ایران حکمی مخالف دادگاه خارجی صادر نشده باشد.

6- رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاههای ایران نداشته باشد.

7- حکم راجع به اموال غیر منقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد.

8- دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیتدار کشور صادرکننده حکم صادر شده باشد.

ماده 170

ماده 170- مرجع تقاضای اجرای حکم دادگاه شهرستان محل اقامت یا محل سکونت محکومعلیه است و اگر محل اقامت یا محل

سکونت محکومعلیه در ایران معلوم نباشد دادگاه شهرستان تهران است.

ماده 171

ماده 171- در صورتیکه در معاهدات و قراردادهای بین دولت ایران و کشور صادرکننده حکم به ترتیب و شرایطی برای اجرای حکم مقرر

شده باشد همان به ترتیب و شرایط متبع خواهد بود.

ماده 172

ماده 172- اجرای حکم باید کتباً تقاضا شود و در تقاضانامه مزبور نام محکومله و محکومعلیه و مشخصات دیگر آنها قید گردد.

ماده 173

ماده 173- به تقاضانامه اجرای حکم باید مدارک زیر پیوست شود:

1- نسخهای از رونوشت حکم دادگاه خارجی که صحت مطابقت آن با اصل به وسیله مامور سیاسی یا کنسولی کشور صادرکننده حکم

گواهی شده باشد با ترجمه رسمی گواهی شده آن به زبان فارسی.

2- رونوشت دستور اجرای حکمی که از طرف مرجع صلاحیتدار مربوط صادر شده با ترجمه گواهی شده آن.

3- گواهی نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که حکم از آنجا صادر شده یا نماینده سیاسی یا کنسولی کشور صادرکننده حکم

در ایران راجع به صدور و دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیتدار.

www.ekhtebare.ir

صفحه 16

4- گواهی امضاء نماینده سیاسی یا کنسولی کشور خارجی مقیم ایران از طرف وزارت امور خارجه.

ماده 174

ماده 174- مدیر دفتر دادگاه عین تقاضا و پیوستهای آن را به دادگاه میفرستد و دادگاه در جلسه اداری فوقالعاده با بررسی تقاضا و

مدارک ضمیمه آن قرار قبول تقاضا و لازمالاجراء بودن حکم را صادر و دستور اجراء میدهد و یا با ذکر علل و جهات رد تقاضا را اعلام مینماید.

ماده 175

ماده 175- قرار رد تقاضا باید به متقاضی ابلاغ شود و نامبرده میتواند ظرف ده روز از آن پژوهش بخواهد.

ماده 176

ماده 176- دادگاه مرجع پژوهش در جلسه اداری فوقالعاده به موضوع رسیدگی و در صورت وارد بودن شکایت با فسخ رأی

پژوهشخواسته امر به اجرای حکم صادر مینماید و در غیر این صورت آن را تأیید میکند. رأی دادگاه قابل فرجام نخواهد بود.

ماده 177

ماده 177- اسناد تنظیمشده لازمالاجراء در کشورهای خارجی به همان ترتیب و شرایطی که برای اجرای احکام دادگاههای خارجی در ایران

مقرر گردیده قابل اجراء میباشد و بهعلاوه نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده باشد باید موافقت

تنظیم سند را با قوانین محل گواهی نماید.

ماده 178

ماده 178- احکام و اسناد خارجی طبق مقررات اجرای احکام مدنی به مرحله اجراء گذارده میشود.

ماده 179

ماده 179- ترتیب رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای احکام و اسناد خارجی و اشکالاتی که در جریان اجراء پیش میآید همچنین ترتیب

توقیف عملیات اجرایی و ابطال اجراییه به نحوی است که در قوانین ایران مقرر است. مرجع رسیدگی دادگاههای مذکور در ماده 170

میباشد.

ماده 180

ماده 180- موارد مندرج در باب ششم قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب 1329 قمری و مواد راجع به اجرای احکام در قانون تسریع

محاکمات و سایر قوانینی که مخالف این قانون باشد ملغی است.

قانون فوق مشتمل بر یکصد و هشتاد ماده و هشت تبصره پس از تصویب مجلس سنا در جلسه روز دوشنبه 4/11/2535، در جلسه

روز یکشنبه اول آبان ماه دو هزار و پانصد و سی و شش شاهنشاهی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - عبدلهال ریاضی

www.ekhtebarebar.ir